



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون
فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

28/12/2011

اعلامیه

شش جدی، طوق لعنتی که محیلانه به جنگ سردحواله میگردد!

سی و دو سال از سیاه روز شش جدی، روز اشغال افغانستان توسط روسیه شوروی میگذرد. هنوز میلیون ها شاهد عینی این فاجعه تنها در خود افغانستان موجود است. ولی مسوولین این فاجعه میکوشند با مسخ نمودن تاریخ، خود را با شیوه حيله گرانه که از دوران حاکمیت به آن معتاد شده اند، از زیر بار مسوولیت برهانند. عمال داخلی روسیه شوروی آن زمان که با وصف اتحاد در چوکات حزب دموکراتیک خلق افغانستان به گروه های مختلف تقسیم شده بودند، هر کدام با انتظارات زیاد برای گروه مربوطه خویش خواستار اشغال هر چه سریعتر افغانستان از طرف روسها بودند. شکست مفتضحانه روسیه شوروی در افغانستان و سقوط قابل انتظار رژیمي که از هر لحاظ وابسته به " کمکهای برادرانه اتحاد شوروی " بود، نابخردانه بودن و تبهکارانه بودن کودتای شوم هفت ثور "مرحله تکاملی" آن یعنی شش جدی را به یک واقعیت غیر قابل انکار تبدیل نمود.



قسمت قابل ملاحظه قوای متجاوز قیل از 6 جدی از طریق فضا وارد گردیدند!

کتابهای منتشر شده توسط جنرالهای اردوی شوروی که متکی بر چشم دید شخصی نویسنده و اسناد دولتی آن زمانست، حاکی از آنند که رژیم تره کی- امین بیش از 17 بارخواستار "ارسال قوای نظامی کمکی برای سرکوب اغتشاشگران" شده بودند رهبران پرچم (کارمل، نجیب، اناهیتا راتبازاد، محمود بیالی...) که بعد از دزدی دارائی سفارتخانه های ما از مسکو خواهان پناه در برابر "امین جلاد" شده بودند، در محافل احزاب کمونیست شوروی بکمک رهبران ک.ج.ب حضور میداشتند و برای " دست بکار شدن قوای نظامی انترناسیونالیستی برای جلوگیری از سقوط افغانستان در دست امپریالیستها" و در واقع برای اشغال لابی سیاسی میکردند. اینها توسط ک.ج.ب برای نقش احتمالی آینده شان تعلیمات میدیدند. بطور مثال داکتر نجیب برای تشکیل شعبه ک.ج.ب. (خاد) در افغانستان آماده ساخته میشد. رهبران

روس تا زمان زیادی هنوز امیدوار بودند که خلقی ها را براریکه قدرت نگهداشته و روزی رهبران پرچم را وادار به اتحاد با آنها نمایند. ولی با دیدن اینکه کله شخی امین در ارتباط با قتل تره کی انزوای روزافزون گروپ امین در میان خلقیها را بار آورد. و دامنه قیام مردمی به قطعات اردودرپایتخت (قیام ضدروسی بالاخصار) کشید، دیکتاتورهای تکیه زده برتخت کرملین متوجه خطرشکست واقعی پروژه شان در افغانستان شدند. تصمیم لشکرکشی برای نجات پروژه افغانستان توسط بیروی سیاسی حزب کمونیست شوروی بشکل محرمانه آغازشد. کشتن امین برای روسها یک انگیزه فرعی بود. رهبران روس امین را بحیث مانع وحدت مجدد ح.د.خ.ا یک عنصرمخل برای مهارساختن سریع اختلافات درح.د.خ.ا. دانسته مصمم شدند درجریان عملیات اشغال ویرا نیزنابود سازند. ولی روسها از طریق مشاورین نزدیک به امین به اوچنین فهماندند که برای دفاع از رژیمش "قوای محدود نظامی" خود را به افغانستان میفرستند. بهمین جهت ورودقوای اشغالی از طریق فضا یک هفته قبل از شش جدی به اجازه و حمایت امین آغازیافت. آنچه امین و حتی بسیاری از قوماندانهای قطعات لشکرمتجاوزاز آن اطلاع نداشتند، پلان برچیدن گروپ امین و نصب ببرک کرمل به اریکه قدرت توسط قطعات متعلق به ک.گ.ب. بود.

اکنون جناح های مختلف ح.د.خ.ا میکوشند ازپزیرش شریک بودن شان درمسولیت اشغال افغانستان شانه خال کنند. امینی ها طوق لعنت شش جدی را به گردن پرچمیها حواله میکنند. پرچمیها که دردوره ده ساله اشغال به جاه و جلال و امتیازات رسیدند و رهبران شان بتاریخ شش جدی با طیارات نظامی قوای اشغالگر به بگرام انتقال داده شدند، چاره جز این ندیده اند که طوق لعنت شش جدی و همه گناهان دیگر خود را به گردن " جنگ سرد" بیاندازند. این بهانه احمقانه تر از استقبال ایست که پرچمیها در 27 دسمبر 1979 با افشاندن هزاران دسته گل برتاتکهای قوای اشغالگر در شهرکابل کردند. اگر لحظه، غرض تازه ساختن حافظه مسولین شش جدی، اصطلاحات دوران حاکمیت ح.د.خ.ا را استفاد کنیم، گفته میتوانیم که جنگ سرد در میان دوکمپ یعنی کمپ "سوسیالیسم" و کمپ امپریالیسم وجود داشت. افغانستان قبل از هفت ثور یکی از بنیانگزاران گروه عدم انسلاک بوده با حفظ بیطرفی خود را از درگیر شدن در جنگ سرد مصوون نگهداشته بود. حزب د.خ.ا. که توسط سفارت روسیه بحیث نیروی ذخیره "کمپ سوسیالیسم" در افغانستان ایجاد شد بلاخره با اجرای کودتای ننگین هفت ثور عملاً به این به بیطرفی عنعنوی افغانستان خاتمه داد. سیاه روزشش جدی افغانستان رابه میدان اصلی جنگ سرد مبدل ساخت. جنگی که ادامه آن در اشکال دیگر و توسط بازیگران دیگر مغز استخوان مردم ما را تا امروز میسوزاند. بنابراین طوق لعنت شش جدی را تاریخ به گردن ح.د.خ.ا و ح.ک.ش. انداخته است. این حقیقت را نمیتوان با تنوری بافی های مبهم و مبتذل زیرچتر جنگ سرد پنهان نمود. عکس العمل مردم افغانستان قیام سرتاسری در برابر اشغالگران و نوکرانشان بود. اینکه "کمپ امپریالیسم" بتوانست به کمک پاکستان مقاومت ملی را به کجراه اخوانیت بکشاند مسأله جداز سوال مسولیت اشغال است.

ناگفته نباید گذاشت که مسولین این فاجعه با بیشرمی غیرقابل تصورتلاش دارند به صحنه سیاست فعال افغانستان برگردند. امینی ها تحت رهبری عبدالرشید جلیلی حزب جدیدی بنام "دملی سولی اویووالی سازمان" ساخته اند. کارملی ها و بخش زیادی از طرفداران نجیب الله تحت رهبری بزرگرو علومی "حزب واحد ملی" را ایجاد کرده اند. این دو حزب میخواهند با انکار جویهای خون که طی 14 سال حاکمیت ننگین خود در افغانستان براه انداخته اند، با استفاده از چتر حمایت قوای خارجی و نفوذ وسیع در دستگاه های امنیتی کرسی بازهم به یک وزنه سیاسی مبدل شوند. درگیر و دار آمادگی فرصت طلبان گوناگون برای انتخابات ریاست جمهوری 2014 "حزب واحد" مثل سال 1992 و 2002 جای مناسب خود را در آغوش قوای نظر پیدا کرده و به جبهه "ملی" تحت رهبری عبدالله عبدالله یعنی جبهه مسولین بدبختیهای 33 سال اخیر افغانستان پیوسته است. ببینیم طرفداران امین و تره کی بازهم در سایه حزب اسلامی حرکت میکنند یا خیر؟

کمیته حقوق بشر فارو